

و فرزندانش تا هر که و اگر وفات بر داری کشید رخ در تان و قحط و بلا و تا هر که آسایش
 نه بنمید چون نوح علیه السلام بود و بطاعت خدای تعالی خواند و ایشان قبول کردند
قال رب اینی دعوت قوی لیا و هاتما گفت نوح علیه السلام ای پروردگار
 من بدستی گزین خوانده ام قوم خود را در شب و روز ایمان و طاعت و ایشان قبول کردند
فلم یرد همد عافی الا فی الما بس زیادت کرد و خواندن من ایشان را که بر حقین ازین
 و طاعت **وانی کلان عظمه** و بدستی که بر گاه که من ایشان را بخوانم **لیعظم**
 تا پامری تو مرا این را **اجعلوا اصابعکم فی اذانهم** کرد ایندین ایشان
 ایشان خود را در گوشه ایشان تا سخن را شنوند **واستغشوا ثیابهم**
 و جامهای خود را در سر کشیدند **واصبروا** و دوام بر گرفتار نمودند **واستکبروا**
 و گردن کشی کردند **انما ایمان و طاعت است کبارا** کردن گشتی کردن بزرگ
تقرانی دعوتی پس من خواندم ایشان را **براه راست جهار** اشک را با او بکنند
 جنابانی موضع اطالی میباید **انما اعلنت لهم** بکنند گشت ایشان را و اسیر
لهم اصرار و پنهان گشت ایشان را **پنهان گشت بر یکی را علی صده پنهان نصیحت کردم**
 سخن نمودت ایشان را **براه حق خواندم گاهی شب و گاهی روز و گاهی شکار**
 چنان و هیچ تقصیر کردم در مدت چهار سال که بخانه سال ایشان را **براه حق خواندم ایشان**

الاصار برکنانه
ایستادین

جایزه

برگرفته گوی و گناه هیچ بداند. چون سخن او را قبول نکردند حق تعالی بر ایشان از او
 از ایشان در مدت چهل سال و یک روایت در مدت هفتاد سال هیچ قدرتی نماند
 و آبهای ایشان بر زمین فرو رفتند و ماهها مستوران ایشان هلاک شد حق تعالی ایشان را
 بزبان نوح و عن کرد که اگر تو بکشند و ایمان نماند من گم گم بکنم بر شما و ایمان فرستم
 و فرزندان دهم و مال و بکنند تا هر که ایمان نیاریم و سخن ترا قبول کنیم حق تعالی ایشان را
فقلت استغفر و ادبک پس گشت ایشان را که امرش خواستید از پروردگارتان سخن
 گفتار بمانند تا بر شما رحم بیاورد و تان **ان الله ازهر لکم وی یا بدستی کردی کان**
 بود و است و خواهد بود **عقابا** یکسان هر زنده کنه اگر ایمان را در پیش **التمسوا**
 بار از **علیکم** بر شما **لما** بسیار بر زبان بپوشید **مفعال من الذکر الله و فرمودند**
انما لکن برود **تکم** روز و تا **و** آمد **شیر** اگر ایمان آرید **و عیدکم** کرد گشت شما را **المعنی**
بالمعنی و بنیان **و** **بجعلکم جنات** و بکنند برای شما بوستانها **بمعنی**
و بجعلکم و بکنند برای شما **انما** **بجوه** های آب روان معنی بسیار بنیادهای روان
 چون این نعمتها را از شما گرفته است بسبب کفر شما چون ایمان آرید باز باران بسیار فرستد
 که **بالمعنی** بسیار در پروردگارتان و نعمها و آبهای روان باز و هر چنانکه داده بود بزرگان
 در گشته اند که مبتلا شود با انواع بلاها **بمعنی** که استغفار بسیار کردید **بمعنی** در است

در آن مدتی

آلینداد قرون کرد

بمعنی بسیار کرد اند
اسوال و اولاد
شمارا